

# بررسی سیر تفسیری آیه ۳۴ سوره نساء «الرجال قوامون على النساء» از دیدگاه برخی از اندیشمندان معاصر

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۲/۱۲

تاریخ تأیید: ۹۶/۰۵/۲۳

هاشم زارع ابراهیم آباد<sup>۱</sup>

دانش آموخته کارشناسی ارشد معارف قرآن دانشگاه مفید

## چکیده

نوشتار حاضر به بررسی سیر تفسیری آیه ۳۴ سوره نساء از دیدگاه برخی از اندیشمندان معاصر می‌پردازد. این آیه که به آیه قیمومیت نیز شهرت دارد، دارای واژه‌هایی است که در طی قرون متمادی گذشته تا به حال دستخوش تغییراتی شده است که هر کدام از مفسرین متناسب با شرایط زمان و مکان و وضعیت اجتماعی و فرهنگی خویش، برداشت‌هایی را ارائه کرده‌اند. در این جا به بررسی این آیه از دیدگاه سه تن از شخصیت‌های معاصر پرداخته و علل و عوامل تفسیری آنان را بررسی خواهیم کرد. واژگان کلیدی: تحول در تفسیر؛ قوامیت؛ الرجال؛ النساء؛ خوف؛ نشوز.

## مقدمه

ابا عبدالله قال: «ان الله تبارک و تعالی لم يجعله (القرآن) لزمان دون زمان و لناس دون ناس فهو فی کل زمان جدید و عند کل قوم غض الی یوم القیامه» (مجلسی. ۱۴۰۳: ۲۸۰/۲) تفسیرنگاری سرگذشتی طولانی و پرفراز و نشیب دارد. از همان روزهای نخست نزول وحی که آیات بر زبان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جاری می‌شد کسانی بودند که برای درک بهتر کلام الهی و پیام آسمانی قرآن، نزد پیامبر می‌آمدند و از حضرتش تفسیر و توضیح آیه را جویا می‌شدند. در این ایام پرسش‌های تفسیری اندک بود. وجود مبارک پیامبر برترین الگوی مسلمانی و روشن‌ترین تفسیر دین‌داری بود و در کنار این همه، خلوص زبانی و سادگی و بی‌پیرایگی فهم مسلمانان صدر اسلام موجب شده بود که بیان قرآن را تا حدود زیادی درک نمایند و پرسش‌هایشان اندک باشد.

اما این ایام کوتاه سپری شد و از آن پس وضع مسلمانان تغییر کرد. عمر درخشان پیامبر به فرجام رسید و دشمن بیرونی مغلوب شد و تمام جزیره العرب به دست مسلمانان افتاد و جنگ با

1. Email: hashemzare1553@gmail.com

کشورهای دیگر، پیروزی‌های پی‌درپی را به همراه داشت. قدم گذاشتن به سرزمین‌های دیگر در آمیختن با ملت‌ها و تمدن‌های جدید و آشنایی با دانش نوین، عواملی بودند که نیاز به تفسیر را برای درک بهتر قرآن باعث می‌شدند. از این پس بود که تفسیر، مسیری پر فراز و نشیب را طی نمود که اهل فن آن را به مراحل چند تقسیم نموده‌اند و برای هر دوره ویژگی‌های برشمرده‌اند. در این میان تفسیر دوره معاصر سرآغاز مرحله‌ای نوین در تاریخ تفسیر به شمار می‌آید. تفسیر در این دوره دست خوش تحولی عظیم از حیث کیفیت و کمیت شده است. در نتیجه روی آوردن بیشتر مسلمانان به اسلام، قرآن و تفسیر آن، تفاسیر متعددی در سرتاسر جهان پا به عرصه تألیف گذارده است. جلوه‌گر شدن پرسش‌های جدید و بهره بردن از یافته‌های گسترده علمی، تفاسیر متعددی با اندیشه‌های متفاوت در این زمینه‌ها را پدید آورده است.

پرداختن به مسائل سیاسی، اجتماعی، تربیتی در تفسیر این دوره، امری نوظهور است. همچنین در این دوره شاهد اوج گرفتن برخی موضوعات از جمله مباحث مربوط به آزادی و مباحث حقوقی زنان هستیم و سؤالاتی در این زمینه ذهن اکثر قرآن پژوهان را معطوف به خود داشته است و سؤالاتی را در پیش‌روی مستشکلین قرار داده است.

آیه ۳۴ از سوره نساء<sup>۱</sup> از جمله آیاتی است که در باب مطالعات زنان مورد توجه خاص مفسران قرار گرفته و تغییر و تحولاتی در تفسیر آن دیده می‌شود.

در این مختصر برآنیم اندیشه‌های تفسیری سه تن از علمای شیعه و سنی در قرن اخیر در مورد این آیه را بیان کرده و اشاره‌ای به علل و عوامل تفسیرشان داشته باشیم.

### تحول در تفسیر

از زمان جنبش بازخیزی اسلامی در دوره معاصر، یعنی از نیمه دوم سده نوزدهم میلادی تاکنون مطالعات زنان همواره بخش جدایی‌ناپذیری از روند نظریه‌پردازی در جهان اسلام بوده است. در مورد مسائل زنان دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد:

**الف- دیدگاه سنتی:** این دیدگاه همان آموزه‌های رایج قبل از آشنایی مسلمانان با فرهنگ و تمدن غرب است و به تحولات اسلامی پس از حضور غرب در جهان اسلام واکنش نشان نمی‌دهد و پاسخ‌های قبل از تجربه تمدن غرب را دنبال می‌کند. در این

۱. «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَ اللَّائِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَ اهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَ اضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا».

دیدگاه، مرد، موجودی برتر و قدرتمند، پرخاشگر و مقتدر، عقل کل خانه و جامعه در نظر گرفته شده و زن موجودی فرمان بردار به شمار می‌آید. نماینده معاصر این دیدگاه، محمد حسین حسینی طهرانی است که دیدگاه‌های وی را علیرضا علوی تبار بر اساس دو کتابش<sup>۱</sup> در هشت اصل خلاصه کرده است.<sup>۲</sup>

**ب- دیدگاه نوسلفی:** در این دیدگاه، اندیشمندان مسلمان به دلیل چالش‌های شدیدی که غرب در برابر اسلام به وجود آورد به رویارویی با غرب پرداختند و برای مسائل جدید با توجه به قرآن و سنت راه‌حل‌های جدید جستجو کردند. در نظر اینان تجدید حیات دین در تجدید فهم مفاهیم دینی و پویایی بخشیدن به آنها دیده می‌شود. از بارزترین شخصیت‌های این دیدگاه می‌توان محمد عبده و رشید رضا را نام برد که به مسائل زنان پرداخته‌اند. همچنین می‌توان به سید قطب نیز اشاره کرد. (پزشکی: ۱۳۸۷: ۴۳)

**ج- دیدگاه اجتهادی:** در این جا با رویکردی عقل‌گرایانه به مسائل زنان پرداخته شده است. این دیدگاه خصوصاً بعد از انقلاب اسلامی رو به گسترش گذاشته است. از اندیشمندان آن می‌توان علامه طباطبائی، شهید مطهری، جوادی آملی، محمد حسین فضل‌الله و محمد مهدی شمس‌الدین را نام برد. (پزشکی: ۱۳۸۷: ۷۵)

**د- دیدگاه معرفت‌شناسی:** در این دیدگاه به روش و فرآیند تفسیر متون دینی توجه می‌شود. غالب نویسندگان این دیدگاه بین ذاتیات و عرضیات تعالیم دینی در مورد زنان تفکیک قائل شده و با یاری جستن از روش‌های تفسیری گوناگون مانند هرمنوتیک و گفتمان و... به تمایز تمدنی عصر کنونی با دوران صدر اسلام می‌پردازند و با توجه به عناصر ثابت دینی در پی استنتاج تعالیم عصر حاضر هستند. نصر حامد ابو زید و محمد مجتهد شبستری از نویسندگان این دیدگاه به شمار می‌آیند. (پزشکی: ۱۳۸۷: ۲۱۹)

در اواخر قرن ۱۳ و قرن ۱۴ شاهد تحولات عظیمی در زمینه مسائل اجتماعی، سیاسی و علمی در تفاسیر بوده‌ایم. در این دوران سبک‌های نوین تفسیری و نیز روش‌های جدید تفسیر موضوعی پدید آمدند. در این دوران عقل‌گرایی خود را در مباحث مختلفی نشان داد از جمله در مسائل مربوط به حکومت، آزادی در شقوق مختلف آن که شامل جهاد، برده‌داری، حقوق زن و ارتداد و همچنین مباحث علوم اقتصادی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و... .

۱. رساله بدیعه و رساله نکاحیه: کاهش جمعیت ضربه‌ای سهمگین به پیکر مسلمین.

۲. در ادامه برخی از اندیشه‌های وی را مرور و در مورد شخصیت وی بررسی اجمالی خواهیم داشت.

از دستاوردهای دیگر این دوران می‌توان به مساله گشوده شدن باب بررسی آیات، فراتر از نقل حدیث و آرای گذشتگان اشاره کرد. در گذشته مفسران برای پرهیز از تفسیر به رأی و رعایت احتیاط کوشده‌اند تا در چارچوب احادیثی که از معصومین یا صحابه و تابعین آمده است به تفسیر بپردازند، ولی اکنون شاهد جهش گسترده‌ای در این زمینه هستیم. (نفیسی: ۱۳۷۹: ۱۸) در طرف مقابل شاهد اتکای شایان توجه به پیش فرض‌ها، اصول و مبانی عقلی، توجه به مسائل روز و شبهات وارده هستیم.

به طور کلی می‌توان منشأ این تحولات در تفاسیر را در دو عامل خلاصه کرد:

۱. سطح دانش و تسلط مفسر در شاخه‌های مختلف علوم و به کارگیری آن‌ها در تفسیر.

۲. دخالت زمان و مکان در فهم آیات و انطباق آنها با شرایط هر عصر و حل مشکلات آن عصر. همچنین عواملی را که امروزه متأثر از دخالت زمان و مکان هستند و در فهم آیات تأثیر دارند می‌توان این گونه شمرد:

۱. تغییر اوضاع و احوال اجتماعی
۲. پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیک
۳. نفوذ عقاید حقوق بشری و بالا رفتن انتظارات افراد
۴. نوع حکومت حاکم بر جامعه و اجرائی شدن آن چه قبلاً حالت تئوریک داشت.
۵. روابط سیاسی داخلی و خارجی و تصویب کنوانسیون‌های مختلف و فشار بر روی دول برای قبول آن‌ها.
۶. شکل گرفتن گروه‌های اجتماعی و جنبش‌های ضد دینی و یا جنبش‌های دفاع از حقوق زن.

۷. گسترش ارتباطات و آگاهی مردم از وضعیت ملل دیگر.

۸. تغییر نیازهای انسان و تغییر عرف و عادت مردم.

۹. دگرگون شدن نسبی ارزش‌های اخلاقی جامعه.

۱۰. بالا رفتن سطح آگاهی زنان و برابری طلبی آنان. (شاه جعفری: ۱۳۸۸: ۲۹)

در آیه ۳۴ سوره نساء می‌توان این تغییرات را به خوبی مشاهده کرد که بر حسب زمان در مدت چند سال نظرات در مورد واژه قومیت، الرجال و النساء، فضیلت مردان، خوف، نشوز و مساله ضرب، دست خوش تغییر و تحول شد.

### مفهوم قیمومیت در اندیشه مفسران

یکی از مهم‌ترین کلمات این آیه، واژه «قوامون» می‌باشد. به طور کلی می‌توان معانی که مفسران برای آن ذکر کرده‌اند را در این معانی خلاصه کرد:

**الف) ولایت و تسلط مردان بر زنان:** در اینجا قوامیت به معنای سلطه مردان بر زنان در اموری مانند ادب نمودن، امر به مصلحت و نهی از بدیها، تدبیر امور، ریاضت و حتی تعلیم زنان شمرده شده است.

**ب) نگهبان و مراقب:** در این جا قوامیت به معنای قیام مردان و محافظت و نگاه داری از زنان است  
**ج) قیام کننده:** این قیام می‌تواند در امور ذیل انجام گیرد: تدبیر و اصلاح امور دیگری، تنظیم امور دیگری محافظت و نگاه‌داری از زنان، دادن نفقه، تادیب دیگری، انجام آن چه در حوزه مصلحت زنان است، انجام امور و کارها و نیازهای زنان.

**د) رئیس و فرمانده:** این معنا را برخی همانند رشید رضا نمی‌پذیرند.

**ه) قیم:** برخی قیم و رئیس را تقریباً منطبق بر یکدیگر می‌دانند.

**و) خدمتگزار و کارگزار امور معاش زنان.** (مکارم شیرازی: ۱۳۷۴: ۳/۳۷۰)

### مراد از الرجال و النساء

در این جا می‌توان به طور کلی سه قول را برشمرد:

۱. **جنس مردان و زنان:** که در تفاسیر متعددی این معنا بیشتر به چشم می‌آید.  
(خسروانی: ۱۳۹۰: ۲/۱۹۷ و عاملی: ۱۳۶۰: ۲/۳۹۲ و طباطبائی: ۱۴۱۷: ۴/۳۴۳)

۲. **اغلب مردان و زنان:** در این جا رجال به معنای مردان من حیث المجموع و نساء به معنای زنان من حیث المجموع است. (صادقی تهرانی: ۱۳۶۵: ۷/۳۶ و امین: ۱۳۶۱: ۴/۶۳)

۳. **شوهران و همسران آن‌ها:** گروهی از مفسرین قوامیت را محدود به خانواده کرده و مراد از رجال را شوهران و مراد از نساء را همسران آن‌ها می‌دانند. در تفاسیر عصر حاضر این معنا بیشتر به چشم می‌آید. (مغنیه: ۱۴۲۴: ۲/۳۱۵ و مدرسی: ۱۴۱۹: ۲/۷۴ و مکارم: ۱۳۷۴: ۳/۳۷۰)

### قلمرو قوامیت مرد

در این زمینه دو نظر کلی ارائه شده است:

**الف) قوامیت مرد بر زن در خانواده و اجتماع:** اگر مراد از الرجال را جنس مردان بدانیم قلمرو قوامیت از خانواده فراتر رفته و به اجتماع بشری تسری می‌یابد که برخی برتری وجود مردان

بر وجود زنان را نیز یکی از دلائل قوام بودن مردان می‌دانند (قرشی: ۱۳۷۱: ۵۲/۶)

این گروه قوامیت را علاوه بر خانواده در امور اجتماعی، قضاوت و جنگ نیز تسری می‌دهند. (طباطبائی: ۱۴۱۷: ۳۴۶/۴ و حسینی طهرانی: ۱۴۱۸: ۷۸)

ب) قوامیت فقط در خانواده: در تفاسیر دهه اخیر این نظر بیشتر به چشم می‌خورد. در این جا مرد برای اداره و حفظ خانواده شایسته می‌باشد، ولی در خارج از خانواده دیگر قوامیتی وجود ندارد و زن مانند مرد این آزادی را دارد که در محدوده شریعت اسلام هرکاری را مانند کارهای علمی و عملی و مدیریتی انجام دهد. (فضل الله: ۱۴۱۹: ۲۹۳/۴ و جوادی آملی: ۱۳۷۸: ۳۶۶)

البته بنابر معنای سومی که ذکر شد (اغلب مردان و زنان) بعضی از قائلین به آن، قوامیت را محدود به خانواده دانسته (صادقی تهرانی: ۱۳۶۵: ۳۶/۷) و برخی آن را به بیرون از خانواده گسترش می‌دهند. (امین: ۱۳۶۱: ۳۶/۷)

بنابراین، در یک جمع‌بندی می‌توان گفت مفسرینی که مراد از رجال را جنس مردان گرفته‌اند، حکم قوامیت را بسیار عام گرفته و شامل زنان بیرون از خانواده مرد و اجتماع نیز می‌شده است. اما با پیروزی انقلاب و حضور فعال زنان در جامعه آرام آرام تفاسیر تغییر کرده و الرجال و النساء را به معنای اغلب مردان و زنان تفسیر نموده‌اند. و در دهه اخیر نیز مفسران، رجال را به شوهران و نساء را به همسران آنان تفسیر نموده‌اند و دایره قوامیت را محدود به خانواده نموده‌اند.

### مراد از خوف و نشوز

در مورد خوف معانی متعددی در نظر گرفته شده است:

- الف) ظن به نشوز زن: در این جا صرف احتمال کافی نیست. (طیب اصفهانی: ۱۳۷۸: ۷۳/۴)
- ب) علم یا ظن به امور ناپسند: زنان ناشزه زانی هستند که مردان علم یا ظن به عدم رعایت حدود زوجیت و حقوق و واجبات توسط آنها دارند. (زحیلی: ۱۴۱۸: ۵۶/۵)
- ج) علم به نشوز زن: گروهی از مفسران وجود ظن به تحقق نشوز را کافی ندانسته و علم به مخالفت زنان در اوامری که باید اطاعت کنند را لازم می‌دانند خصوصاً در مورد دوم و سوم که هجر و ضرب باشد. (حسینی شاه عبدالعظیمی: ۱۳۶۳: ۴۲۲/۲)
- د) ترس از تحقق نشوز زن: بعضی دیگر معتقدند خوف در آیه به همان معنای اصلی خود، یعنی ترس می‌باشد و در این جا مرد به عنوان پیش‌گیری، علاج واقعه کرده و قبل از تحقق نشوز چاره‌ای می‌اندیشد. (قرانتی: ۱۳۸۳: ۲۸۴/۲)

هـ) خوف از عواقب گناه نشوز: نشوز موقعی اتفاق می‌افتد که قصد نافرمانی و گناه وجود داشته باشد و صرف کشمکش‌ها و عصبانیت‌هایی که بین زن و مرد اتفاق می‌افتد نشوز نیست. (ابن عاشور: بی تا: ۱۱۷/۴)

برخی دیگر این گونه گفته‌اند که خوف از نشوز موقعی است که یک فاحشه مبینة یعنی گناه آشکار (البته غیر از زنا) اتفاق بیفتد. (صادقی تهرانی: ۱۳۶۵: ۴۸/۷)

و) ظهور اسباب و امارات نشوز خوف: هنگامی است که اولین مراحل نشوز ظهور پیدا کند. (موسوی سبزواری: ۱۴۰۹: ۱۶۰/۸)

در مورد مفهوم نشوز نیز با توجه به جمع‌بندی تفاسیر می‌توان گفت که نشوز کنایه از دشمنی (قاسمی: ۱۴۱۸: ۹۸/۳) طغیان و نافرمانی زن (طباطبائی: ۱۴۱۷: ۳۴۵/۴) و سرباز زدن اواز اطاعت همسر (میرزا خسروانی: ۱۳۹۰: ۱۹۷/۲) و فضل الله: ۱۴۱۹: ۲۳۹/۷) است. البته نشوز در قرآن فقط در مورد زن به کار نرفته و در مورد مردان نیز استعمال شده است (نساء: ۱۲۸/۴) که به معنای عمل نکردن مرد به وظیفه قوامیت است.

در تفاسیر سنتی کمتر به شرایط تحقق نشوز پرداخته شده است؛ ولی به طور کلی سه دیدگاه می‌توان برای آن برشمرد:

الف) عدم اطاعت از مرد در تمام او امر و نواهی. دلیل ایشان قسمت آخر آیه است که می‌گوید اگر از شما اطاعت کردند راهی بر ایشان مجوئید. (رشید رضا: ۱۴۲۰: ۷۶/۵)

ب) عدم اطاعت در حدود حقوق شرعی. (فضل الله: ۱۴۱۹: ۲۳۹/۷)

ج) عدم اطاعت در امور زناشویی. (طباطبائی: ۱۴۱۷: ۳۴۴/۴)<sup>۱</sup>

بعد از بررسی واژه‌های کلیدی، به بررسی اندیشه‌های سه تن از مفسرین در تفسیر این آیه و علل و عوامل آن می‌پردازیم.

### ۱. شیخ محمود شلتوت

وی که به تفسیر ده جزء اول قرآن پرداخته است در تفسیر این آیه می‌فرماید: «این سوره پس از آن که زن و مرد را در حقوق و واجبات برابر دانسته، بیان می‌کند که این درجه،

---

۱. ناگفته نماند در آیه واژه «ضرب» نیز وجود دارد که در تفاسیر سنتی، تنبیه زنان به عنوان یک راه حل پذیرفته شده است؛ اما به دلیل تغییر جو حاکم بر جامعه اسلامی و حتی جهانی و وجود فشارها و اشکالاتی که بر این روش وارد شده است، مفسران، سعی در ارائه تفسیر بهتری از آن بر حسب شرایط مکان و زمان دارند. حتی تا جایی که برخی ترک ضرب را بهتر می‌دانند و قائلند هر کس صبر اختیار کند، نزد خدا بالاتر است. (مغنیه: ۱۴۲۴: ۳۱۷/۲)

از حد اشراف و مراقبت تجاوز نمی‌کند و این به دو دلیل است: یکی به حکم نیروی طبیعی که مرد بر زن برتری دارد و به حکم رنج و کوششی که در فراهم آوردن مال بر عهده دارد که در راه اقدام به حقوق زن و خانواده صرف می‌کند و این درجه، درجه برده داری و سلطه داشتن نیست». (شلتوت: ۱۳۸۲: ۲۰۶)

وی در ادامه در مورد راه اصلاح زنان ناشزه می‌گوید: با هرگروهی از این زنان آن چه شایسته است و در جلوگیری از رفتارهای کفایت می‌کند باید عمل شود. وی زدن را به عنوان آخرین وسیله اصلاحی و فقط در هنگام ضرورت جایز می‌شمارد و در ادامه می‌فرماید: «برخی از متمذنان مسلمان این را بدفهمیده‌اند که با کرامت زن سازگاری ندارد؛ در حالی که برگرداندن زن به راه راست با اندکی مجازات بهتر از این است که زن به سرکشی ادامه دهد و خانه و خوشبختی خود را نابود سازد و کودکانش را دربه‌در کند. در حقیقت تأدیب فیزیکی، امری است که فطرت آن را می‌طلبید و طبیعت آن را به پدران واگذار کرده است، همان طوری که در امت‌ها به حاکم واگذار نموده است.» (شلتوت: ۱۳۸۲: ۲۰۷)

#### شرح حال علامه شلتوت

علامه شیخ محمود شلتوت در سال ۱۳۱۰ ق (۱۸۹۲ م) در خانواده اهل علم و ادب به دنیا آمد. در هفت سالگی پدر را از دست داد و عموی سرپرست وی شد و او را به مکتب خانه فرستاد و در مدت کوتاهی قرآن را حفظ کرد و در سال ۱۹۰۶ وارد دانشگاه اسکندریه شد و در سال ۱۹۱۸ با اخذ مدرک عالی به عنوان دانشجوی ممتاز شناخته شد. در حالی که ۲۵ سال داشت. در سال بعد به عنوان استاد همان دانشکده برگزیده شد. بعدها در جریان انقلاب مردم مصر با زبان و قلم خویش در انقلاب شرکت کرد تا این که رئیس الازهر محمد مصطفی المراغی در سال ۱۹۲۸ با دیدن یکی از پیام‌های وی از او برای تدریس دعوت کرد و در سال ۱۹۳۰ به عنوان مدرس مرحله تخصصی در سطوح بالای علمی برگزیده شد. در سال ۱۹۳۷ به عنوان قائم مقام دانشکده شریعت برگزیده شد. سپس شورای عالی الازهر او را به عنوان عضوی از هیأت نمایندگی الازهر در کنفرانس بین‌المللی شهر لاهه انتخاب کرد. در سال ۱۹۴۱ به عضویت انجمن علمای عالی مرتبه و طراز اول کشور مصر درآمد. در سال ۱۹۴۶ به عضویت فرهنگستان زبان عربی درآمد بعد به عنوان استاد دروس فقه قرآن و سنت منصوب شد و در سال ۱۹۵۰ به مقام ناظر کل جهت نظارت بر پژوهش‌های فرهنگی اسلامی و در سال ۱۹۵۷ به عنوان مشاور در کنفرانس اسلامی و همچنین به عضویت در کمیته عالی روابط فرهنگی خارجی منصوب شد. در همان سال به عنوان قائم مقام ریاست جامع الازهر



تعیین گردید و در سال ۱۹۶۰ به ریاست دانشگاه برگزیده شد و در این جایگاه بود تا در سال ۱۹۶۳ (۱۳۴۲ش) وفات یافت. (شلتوت: ۱۳۸۲: ۳۴)

### مقام علمی شلتوت

وی در بسیاری از شاخه‌های علمی، تحقیق و تتبع وسیعی داشت. احکام شرعی مبتلابه مردم و مقتضیات عصر خویش را خوب می‌دانست، با جمود فکری و تقلید کورکورانه و تعصبات مذهبی که باعث تفرقه بین مسلمانان شده بود مبارزه می‌کرد. بسته بودن باب اجتهاد را در شریعت محکوم می‌کرد. وی از دیدگاه‌های استادش شیخ المراغی متأثر بوده و با همکاری استاد محمد علی آسایس، کتابی در فقه مقارن مذاهب اسلامی تالیف کرد که دیدگاه‌های همه مذاهب اسلامی را آورده و در آخر، نظر مذهبی را پذیرفته است که متناسب با زمان و مکان و همراه با دلیل و براهین است.

وی از نخستین کسانی بود که بر نواندیشی فقهی اهتمام داشت. از آثار این شیوه، صدور فتوای معروف جواز پیروی از مذاهب معتبر اسلامی اعم از شیعه و سنی است. وی با مشکلات و سانسوری که وجود داشت کتاب‌های شیعه را به دست آورد و پس از مطالعه آن‌ها بیان داشت که به عظمت شیعه پی بردم و همین باعث صدور فتوای معروف بود. وی روح زمان را به خوبی دریافته بود و با فکر وسیع و انصاف و شجاعتی که داشت هرگز از متعصبان واهمه‌ای نداشت.

اندیشه تقریب بر تفسیر وی نیز تاثیر زیادی داشت؛ مثلاً در تفسیر آیات ابتدائی سوره توبه در مورد ابوبکر و علی می‌گوید: هر دو خلیفه و جایگاه و تاریخ خود را دارد. اگر مسلمانان عوامل تفرقه‌ای که با دست خود اصول آن را در کتاب‌هایشان نگاشته‌اند به خود راه نمی‌داند هر آینه وضعشان به این‌جا نمی‌رسید. ولی این چنین مقدر بوده و چنین شده است. زمان، چه از قبل و چه بعد، از آن خداست. سپس ابوبکر را مظهر صفت رحمت و جمال می‌داند و علی را مظهر صفت جلال، که هیچ کدام از دیگری بی‌نیاز نیست. (شلتوت: ۱۳۸۲: ۷۳۲)

از شاگردان وی می‌توان به عباس محمود عقاد، شاعر، مجدد، نقاد و روزنامه‌نگار مصری و همچنین شیخ علی عبد الرزاق اشاره کرد.

شلتوت در مورد مسائل سیاسی ساکت نبود و کشتار مردم ایران در ۱۵ خرداد را محکوم کرد همچنین وی شاه ایران را که دولت اسرائیل را به رسمیت شناخته بود تقبیح کرد. (بازرگان: ۱۳۹۳) مهم‌ترین ایده‌ای که وی دنبال می‌کرد پیکار با تعصبات و تحقیق و بررسی علوم دینی در محیطی پر از صفا و برادری و همچنین یافتن راهی که بتوان به تحکیم روابط

دین و ایمان خدمتی کرد. به جهت بررسی بیشتر و تأثیر اساتید بر شلتوت، مختصری در مورد اساتید و اندیشه‌های آنان می‌پردازیم.

### اساتید شلتوت

الف) شیخ محمد عبده (۱۸۴۹-۱۹۰۵ م)

وی از شخصیت‌هایی است که سلسله جنبان نهضت‌های اصلاحی بود که تأثیر افکار وی به غیر از مصر به چندین کشور دیگر نیز راه یافت. اغلب مصلحان و اندیشمندان از جمله: سید قطب، سید محمود طالقانی و علی شریعتی تحت تأثیر افکار وی قرار گرفتند. وی مرید سید جمال‌الدین و شاگرد او بود. پدر وی مفتی سرزمین مصر بود. از شاگردان وی می‌توان به رشید رضا، طه حسین، محمد مصطفی مراغی و مصطفی عبدالرزاق اشاره کرد. گرچه شلتوت خود شاگرد عبده نبوده ولی عبده را می‌توان استاد استاد شلتوت، به حساب آورد؛ زیرا وی از مراغی تأثیر زیادی داشته است. مشی سیاسی و اجتماعی عبده از برخی متفکران اروپا به ویژه هربوت اسپنسر و لئون تولستوی متأثر بود. وی تعصب فرقه‌ای نداشت و عقیده داشت مذاهب اسلامی، حتی ادیان الهی با یکدیگر باید وحدت داشته باشند. در رویکردهای اصلی نسبت به شیوه‌های تفسیری، عبده و سید احمد خان هندی را می‌توان مبتکر شیوه تفسیری عقلانی دانست که هر دو تحت تأثیر سلطه سیاسی و اقتصادی تمدن جدید غرب در عصر استعمار قرار گرفتند و پیدایش تمدن را به دستاوردهای علمی اروپائیان و رونق فلسفه روشن فکری منسوب نمودند. (خاکبان: ۱۳۸۴: ۱۰۴)

گرایش عبده را می‌توان راه میانه‌ای بین دیدگاه‌های سلفی و تجددگرا در جوامع اسلامی دانست. وی به جایگاه ویژه عقل تأکید می‌کند، گر چه ارزش مطلق به عقل نمی‌دهد و اهمیت نصوص دینی در مورد زن را ناچیز نمی‌داند. وی معتقد است، نگرش پیشین در مورد زنان در گرو سطح عقل، میزان دانش آن‌ها و آگاهی جامعه و ساختار فرهنگی آن زمان درباره زن است. وی عقل را مقدم بر متون سلف دینی می‌داند. عبده با به کار بردن روش اجتهادی در مسائل زنان، نوآوری‌هایی ایجاد کرد از جمله: برابری زن و مرد در تمامی حقوق و وظایف (به جز حق سرپرستی و ریاست)، حق آموزش همگانی زنان، منع اختیار مطلق طلاق برای مردان، اعطای حق طلاق به زنان از طریق حکومت و منع تعدد زوجات در عصر حاضر جز در مواردی از قبیل نازایی زن. وی در تفسیر آیه ۳۴ نساء می‌گوید: از نظر پیشینیان برتری مردان بر زنان است، ولی در زمان کنونی ما بسته به هر اجتماعی ممکن است زن یا زن و شوهر باهم

باشند؛ بنابراین آیه‌های قرآن، توان تحمل معانی مختلفی را دارند به گونه‌ای که به ما اجازه برپایی روابط انسانی پیشرفته را در زمان کنونی می‌دهد. (پزشکی: ۱۳۸۷: ۸۰)

گرچه در آن اوضاع و احوال، عبده چنان عقیده‌ای داشت ولی می‌بینیم که شاگرد او رشید رضا گرچه در زمان حیات استاد از او حمایت می‌کرد؛ اما پس از وفات او دیدگاه‌های مخالفش درخصوص حضور زنان شهره است و دیدگاه‌های سلفی نشان داد. دیدگاه‌های او بیشتر ناشی از اوضاع روز و به صورت نقد وضعیت موجود بود، تا این که برخاسته از بنیان‌های فکری باشد. این نقدها شامل پوشش زنان، آرایش، اشتغال، اختلاط با مردان، حمله به منادیان رهایی زن، اعتراض به هتک حجاب، لزوم خانه نشینی زنان و اطاعت از شوهران می‌شود. به گفته شهید مطهری وی تحت تأثیر افکار ابن تیمیه و محمد بن عبد الوهاب بود. (بازرگان، ۱۳۹۳)

#### ب) شیخ عبدالمجید سلیم

وی از شاگردان عبده به شمار می‌رود و دارای دو ویژگی صراحت و شجاعت بود. او یکی از بنیانگذاران جماعت تقریب مذاهب اسلامی و از فعال‌ترین اعضای آن جماعت بود و مدتی ریاست الازهر را بر عهده داشت. وی در سال ۱۳۶۸ ق وقتی دید حکومت می‌خواهد در شئون الازهر دخالت کند از ریاست الازهر استعفا کرد. رئیس دیوان دربار وی را تهدید کرد، ولی سلیم به او گفت: مادامی که بین خانام و مسجد در حرکت خطری مرا تهدید نمی‌کند. وی قبل از شلتوت می‌خواست همان فتوای معروف را صادر کند ولی به جهت این که کتابی که از طرف استکبار و به نام شیعه به مقدسات اهل تسنن توهین می‌کرد در بین اعضای دارالتقریب پخش شد و موجی از تفرقه را به راه انداخت، وی نتوانست فتوا را صادر کند.

#### ج) مصطفی المراغی

وی تأثیرات عقیدتی زیادی بر شلتوت داشته است. شلتوت در مورد او می‌گوید: هر آن چه مراغی از علم و عقل و اندیشه داشت بدین سبب بود که شاگرد عبده بود. مراغی در مناظره‌ای که در مورد پوشش زن با حسن البناء داشته است، اعتقاد دارد کشف صورت و دست زن در غیر نماز جایز است و معتقد است در صورتی که زیبایی زن مرد را فتنه اندازد بر مرد لازم است که چشمان خود ببندد. در جای دیگر مراغی تأکید می‌کند گروهی از فقیهان معتقد هستند بر زن لازم نیست که روی خود را بپوشاند و این کار سخت‌گیری درحق زن است؛ بلکه پوشاندن صورت برای زن مکروه است؛ ولی دیدگاه سلفی این عقیده را ندارد. همچنین وقتی از شیخ الازهر در مورد پذیرش دانشجوی دختر در الازهر پرسیده شد، گفت دین اجازه این کار را

می‌دهد هر چند وضعیت کنونی موافق آن نیست. در حالی که بناء اعتقاد دارد هر چند دین اجازه دانش‌اندوزی به زن می‌دهد، ولی او اجازه نمی‌دهد و باید بین زن و مرد جدایی انداخت. همچنین شیخ، تجارت زن را مباح دانسته و شهادت قضایی و نظارت بر وقف و وصایت او را می‌پذیرد و می‌توان گفت اسلام هر آن چه بر مرد جایز می‌داند بر زن روا می‌دارد، مگر قضاوت در امور جنائی و خلافت. از این رو زن می‌تواند وزیر یا عضو پارلمان باشد. ولی بناء اعتقاد دارد این حرف به طور مطلق صحیح نیست، چرا که مباح بودن تجارت زن به معنای اعتراف به حق مالکیت اوست و پذیرش تجارت برای زن با وجود نفقه زن بر شوهر تناقض دارد و علاوه بر آن پر از اشکالات اقتصادی است. (پزشکی: ۱۳۸۷ ش: ۶۰)

به هر حال تأثیر اندیشه‌های اساتید بر شلتوت رامی‌توان تا حد زیادی دلیل بر عقائد وی دانست. البته شلتوت تالیفاتی دارد که در کتاب من هدی القرآن یکی از فصول پنج‌گانه آن «القرآن و المرأة» می‌باشد. همچنین در «الی القرآن الکریم» یکی از موضوعاتی را که مورد بررسی قرار می‌دهد «القرآن و المرأة» می‌باشد. از ویژگی‌های تفسیر وی می‌توان به اهمیت عقل‌گرایی در تفسیر او اشاره کرد. همچنین به شبهات نیز توجه داشته است و در تفسیرش ضمن بیان شبهات موجود در جامعه به پاسخ‌گویی می‌پردازد شبهاتی مانند تفاوت ارث زن و مرد (شلتوت: ۱۳۸۲: ۱۹۲) فلسفه جنگ در اسلام (شلتوت: ۱۳۸۲: ۵۲۲؛ عصمتی: ۱۳۸۱: ۳۰)

## ۲ سید محمد حسین فضل الله

علامه فضل الله به طور مبسوط به مسائل زنان پرداخته و در این زمینه نیز کتابهایی دارد. وی در مورد تفضیل مردان بر زنان می‌گوید: «واژه تفضیل اجمال دارد که باید از قرینه بفهمیم. در این آیه تفضیل مرد در یک زمینه است و آن مدیریت زندگی خانوادگی است، به دلیل قرینه انفاق». (فضل الله: ۱۴۱۹: ۲۳۶/۷) وی در مورد نشوز زن می‌گوید: «حق زدن برای مرد در حال امتناع از تمکین حق جنسی به این مسأله برمی‌گردد که رابطه همسری راهی است شرعی، قانونی و اجتماعی برای ارضاء غریزه جنسی. چون زمینه در انحراف مرد ایجاد می‌شود و زدن در این‌جا برای اصلاح است؛ بنابراین نباید به عنوان وسیله نگاه شود؛ بلکه باید به هدف هم توجه شود و هدف، نجات خانواده از خطر است و وجود این برنامه پیش‌گرایانه سبب می‌شود اصلا زن به مرحله نشوز که سبب انهدام خانواده است گام نگذارد در طرف مقابل اگر مرد هم به نیاز جنسی همسرش پاسخ ندهد، زن نیز حق دارد از ادای حق مرد سرباز زند». (فضل الله: ۱۴۱۹: ۲۴۱/۷)

در مورد مرجعیت دینی وی قائل است قواعد فقه با مرجع شدن زن ناسازگاری ندارد زیرا تقلید مساله‌ای عقلانی است نه شرعی. و آیات هم چیزی را تعیین نمی‌کند در تاریخ اسلام هم می‌خوانیم زنان فعال بودند و اگر تا الان نمونه عینی نداشتیم، چون جامعه همیشه در اختیار مردان بوده است و به زن اجازه رسیدن به این مقام را نداده‌اند یا اجازه ندادند خود را برای مرجعیت کاندید کند و اگر در روایت رجل به کار رفته نظر به واقعیت خارجی دارد، چون در آن زمان زن مجتهدی نبوده است.

در مورد پوشش زنان نیز وی بدن زن را زینت می‌داند نه چیزهایی مانند گوشواره و دست‌بند و گردن‌بند و این که زنان الان صورت خود را می‌پوشانند در زمان پیامبر نبوده و از سنت‌های نو پدید است که مسلمانان از سایر فرهنگ‌ها تاثیر پذیرفته‌اند. حد حجاب در شرع مشخص است، ولی این که چه نوع پوششی استفاده شود به عهده عرف است.

وی در جای دیگری در مورد ریشه عقب افتادگی مسلمانان می‌گوید: اختلاف نظرها دلیل این مطلب نیست، بلکه عامل، تعصب است. عصبیت فکری که انسان را چنان از خودش لبریز می‌کند که فهم دیگران را منکر شود و خویش را دارای حقیقتی مطلق بداند. غرب با این همه اختلاف رای در نظریه حکومت و مکاتب اقتصادی و حقوق انسان توانسته است نظام‌هایی استوار بنیان نهد که در آن، آزادی گوناگون مورد احترام است. درحالی که ما از هرگونه اختلاف فقهی یا سیاسی یا فلسفی و کلامی بیم داریم چراکه نتوانسته‌ایم زمینه‌ای آرام برای طرح دیدگاه‌های فرهنگی پدید آوریم؛ زیرا شخصیت‌گرایی همچنان بر ذهنیت صاحبان قدرت در جوامع اسلامی حاکم است. (مرادی: ۱۳۷۷: ۱۷۵)

### شرح زندگی علامه فضل الله

وی در سال ۱۹۳۵م (۱۳۵۴ق) در نجف در خانواده روحانی دیده به جهان گشود و تحت نظر پدرش عبدالرؤوف فضل الله (از مراجع مذهبی شیعه) مراحل تربیت و تعلیم را به شیوه آن زمان گذراند. در دوران کودکی وارد مکتب خانه شد؛ ولی فضای خشن آنجا که تحت اداره افراد کهن سال بود با مزاجش سازگار نیامد، به زودی وارد مدرسه‌ای شد که به سبک جدید تأسیس شده بود. بعد از چندی دبستان را هم ترک گفت و در سن نه سالگی وارد حوزه شد. هم زمان با تحصیلات به تناسب سن و ذهنیتش به فضای پیرامون و اوضاع زمانه توجه داشت و اندیشه‌ها و دغدغه‌های فرهنگی و سیاسی زمانه‌اش را از طریق مجلات مصر و لبنان و روزنامه‌های عراقی پی‌گیری می‌کرد. وی صرف و نحو و معانی و بیان تا منطق و اصول فقه را نزد پدر فرا گرفت تا

این که برای یادگیری جلد دوم کفایه به محضر استاد ایرانی‌اش به نام شیخ مجتبی لنگرانی می‌رود. بعد به درس خارج مراجعی همچون آیت الله خوئی، سید محسن حکیم، سید محمود شاهرودی و شیخ حسن حلی راه یافت و همچنین اسفار را نزد ملاصدرا بادکوبه‌ای فرا گرفت.

همچنین مدت ۵ سال نیز این درس را از سید محمدباقر صدر فرا گرفت. وی در سن ۱۷ سالگی به قصد دید و بازدید خانوادگی به لبنان رفت که هم‌زمان با اربعین سید محسن امین عاملی بود قصیده‌ای در رثای او قرائت کرد. در این قصیده بسیاری از مسائل سیاسی روز و از جمله وحدت و بیداری اسلامی و مهاجرت جوانان را مطرح و استعمار فرانسه را تقبیح کرد. وی در سال ۱۹۶۶ به دعوت مؤسسان یک انجمن مذهبی به قصد اقامت دائم به وطن اصلی خویش بازگشت. از دیگر اساتیدی که در شکل‌گیری شخصیت علمی و اخلاقی او تاثیر فراوانی داشت می‌توان به عمویش سید محمد سعید فضل‌الله اشاره کرد.

فضل‌الله از سال‌های نخست نوجوانی در کنار دروس حوزوی به دنبال فعالیت‌هایی رفت که در حوزه نجف چندان پذیرفته نبود. وی با تداوم مطالعات و قرائت مجلاتی همچون مجله الکاتب طه حسین کم‌کم به وجود قریحه شعر درخود پی برد و شروع به سرودن کرد که حاصل آن سه دیوان شعر بود که منتشر شد.

در سال ۱۳۸۰ق جماعتی از علما، مجله‌ای را راه‌اندازی کردند که فضل‌الله در کنار سید محمد باقر صدر و محمد مهدی شمس‌الدین از مدیران آن بود. فضل‌الله به مدت ۶ سال به نگارش مقاله و تالیف کتاب ادامه داد و در کنار سید محمدباقر صدر اولین جنبش شیعی در عراق با نام حزب الدعوة الاسلامیه را تشکیل داد. وی پس از بازگشت به لبنان در سال ۱۹۶۶ با برگزاری جلسات تفسیر و وعظ دینی و اخلاقی و برنامه‌های پرسش و پاسخ، تحول عظیمی در چندین نسل پدید آورد و چنان که خود می‌گوید افتخار تربیت غالب نیروهای مبارز و فعالان مذهبی شیعه را از آن خود نماید. از دیگر افتخارات او تاسیس حوزه علوم دینی بود و خود تدریس خارج فقه و اصول را بر عهده داشت. بسیاری از شخصیت‌های جنبش مقاومت اسلامی لبنان، تربیت شده این مدرسه هستند. همچنین حوزه علمیه ویژه زنان را نیز در بیروت و حوزه‌ای نیز در صور و حوزه المرتضی در دمشق را تأسیس کرده است.

از وی تاکنون بیش از ۷۰ عنوان کتاب به جای مانده است که در حوزه مسائل قرآنی می‌توان به «من وحی القرآن» اشاره کرد و در حوزه اندیشه اسلامی می‌توان در حوزه زنان به «دنیا المرأة» «تاملات اسلامیة حول المرأة» و «قراءة جدیدة لفقہ المرأة الحقوقی» اشاره کرد.

### واکاوی اندیشه‌های علامه

از بیوگرافی زندگی وی می‌توان وحدت میان اندیشه و عمل از ابتداء تا انتها را فهمید. وی همواره در حال رشد و ترقی در مسیری روشن و با مقصدی از پیش معلوم است. از همان اول، فضای خشن مکتب خانه را بر نمی‌تابد و به فراگیری علوم جدید می‌پردازد و وقتی عطش وی کم نمی‌شود به فراگیری علوم حوزه می‌شتابد، ولی در کنار علوم حوزوی، روزنامه و مجله می‌خواند و اوضاع سیاسی و اجتماعی را رصد می‌کند، گوئی این جوینده کوچک در آینده علامه و مرجعی بزرگ خواهد شد. چه در کودکی که فضای کهنه اندیشی مکتب را بر نمی‌تافت و چه در بزرگ سالی که مخالفت با شعر و هنر را در فضای حوزه برنتافت، ولی از سرزنش و ملامت اطرافیان از پای نشست. در همان نوجوانی که دغدغه فرهنگی و سیاسی زمانه داشت باعث شد، تبدیل به روزنامه‌نگاری چیره دست و آگاه شود. سرآمد شدن وی در علوم دینی از فقه و اصول گرفته تا تاریخ و سیاست و تفسیر او را تبدیل به علامه‌ای روشن فکر و مرجعی مبارز کرد. برنامه پرسش و پاسخ عمومی در شرایط خاص مرجعیت، کاری است متواضعانه که شرح این جلسات در کتاب «الندوه» در ۲۰ جلد به انتشار رسیده است. از لحاظ فقهی، وی بعضا دارای اندیشه‌هایی است که به چند نمونه آن اشاره می‌کنیم:

۱. پاک بودن ذاتی همه انسان‌ها حتی کفار
  ۲. عدم وجوب تقلید از ائمه و کافی بودن تقلید از عالم
  ۳. بلوغ سنی دختران در ۱۳ سال
  ۴. عدم حرمت تراشیدن ریش
  ۵. عدم وجوب اجازه پدر برای دختر برای ازدواج گرچه مستحب است.
  ۶. جواز قرائت عقد ازدواج با هر زبانی
  ۷. جواز بازی با آلات قمار بدون قصد برد و باخت
  ۸. حرام بودن هر چیزی که ضررش برای انسان بیشتر از نفعش است. (جعفری: ۱۳۹۳)
- در مورد تفسیر قرآن، وی قائل است قرآن کتابی مبین است که خدا نازل کرده تا حجت بر بندگان باشد. بنابراین، این که بگوئیم فهم قرآن تنها در گرو رجوع به اهل بیت است و یا این که چندین معنا برای هر کلمه‌ای در نظر بگیریم و یا فقط به روایات بسنده کنیم این موارد قرآن را از کتاب مبین بودن خارج می‌کند. (پوری: ۱۳۸۵: ۱۰۹)

دکتر لکزایی ریاست پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی از ملاقات خود با فضل‌الله این چنین می‌گوید: در سال ۸۴ که به لبنان رفته بودیم با این عالم روشن اندیش ملاقاتی داشتیم، وی یکی از مشکلات بزرگ حوزه‌ی علمیه را "عدم برخورداری از حس معاصرت" دانستند و گفتند از حوزه قم به منزله مرکز شیعه انتظار می‌رود، این حس را در خود تقویت کند لازمه این امر ارتباط فعال با جهان معاصر و آشنایی با مسائل و مشکلات آن است. به عنوان مثال از مصاحبه‌های خود با رسانه‌های مشهور دنیا گفت و این که با زبانی قابل فهم تأثیرات مثبتی در آن‌ها به جا گذاشته است. (لکزایی: ۱۳۹۳)

تا به حال با اندیشه‌های دو تن از مفسران عصری آشنای شدیم که هماهنگ با زمان و مکان نظرات خود را بیان کردند. در این مجال برآنیم تا اندیشه‌های مفسری را بیان کنیم که با وجود این‌که جزء اندیشمندان معاصر است، اما اندیشه‌های وی همچنان سنتی می‌باشد. در این جا به بررسی زندگی و آثار و اساتید او می‌پردازیم تا تفاوت وی با دو مفسر قبل مشخص شود.

### ۳. علامه سید محمد حسین حسینی طهرانی

علامه طهرانی در سال ۱۳۴۵ ق در تهران دیده به جهان گشود. پدرش آیت‌الله سید محمد صادق، یکی از چهار عالم سرشناس تهران به شمار می‌رفت و جدش شهر بانو خانم از نوادگان مجلسی دوم می‌باشد.

وی تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در رشته مکانیک و ماشین‌سازی سپری نمود. پس از اتمام تحصیلات با وجود پیشنهادات بسیار برای ادامه تحصیل در خارج و پذیرش مسؤلیت‌های گوناگون در رشته تخصصی، تحصیل علوم توحیدی و قرآنی را انتخاب نمود و راه طلبگی در پیش گرفت. در سال ۱۳۶۴ ق در مشهد ملبس گردید و به شهر قم مشرف شد و در مدرسه حجتیه مشغول تحصیل شد. سپس با علامه طباطبائی آشنا شد و از خواص شاگردان ایشان گردید. در مدت هفت سالی که در قم بود از محضر اساتید دیگری همچون آیت‌الله بهاء‌الدینی، شیخ عبد الجواد سدهی، شیخ مرتضی حائری، سید محمد حجت، سید محمد داماد و آیت‌الله بروجردی استفاده کرد. در سال ۱۳۷۰ ق به سفارش علامه و آیت‌الله صدوقی در ۲۷ سالگی راهی نجف گردید و در آن جا فقه و اصول را نزد حاج شیخ حسین حلی آموخت و همچنین از شاگردان مبرز آیت‌الله خوئی، آیت‌الله سید محمود شاهرودی و حاج آقا بزرگ تهرانی به حساب می‌آمد.

در صفای باطن و تطهیر قلب بنا بر توصیه علامه با آیت‌الله شیخ عباس قوچانی مرتبط شد. همچنین در مسیر عرفانی انس و مراوده‌ای با سید جمال‌الدین گلپایگانی داشت. بیتوته



وی در هر شب جمعه در مسجد سهله او را با سیدهاشم موسوی حداد آشنا ساخت. در سال ۱۳۷۷ بعد از تخصص در علوم عقلی و نقلی و معارف الهی به طهران مراجعت و در مسجد قائم خیابان سعدی که مسجد پدرشان بود به تبلیغ پرداخت. وی تلاش‌هایی در مورد طرح حکومت اسلام، ولایت فقیه، نماز جمعه، نیروی مقاومت ملی، الگوهای اسلامی برای لباس، حجاب، ازدواج، تاریخ، تقویم، ساعت آموزش، فعالیت مردم در جامعه و... داشت که در این راه با حضرات آیات صدرالدین جزائری، شیخ محمد باقر آشتیانی، محمد تقی جعفری، شیخ جواد فومنی، سید رضی شیرازی، شیخ محی الدین انواری، شیخ بهاء الدین محلاتی، صدرالدین حائری، شیخ محمد علی سبط و مرتضی مطهری همکاری داشتند. نامه وی به رهبر کبیر انقلاب راجع به نقد پیش‌نویس قانون اساسی گویای این حقایق است. بعد از ۲۴ سال تلاش در تهران در سال ۱۴۰۰ به مشهد مشرف شد و در مدت ۱۶ سال معارف اسلام را در قالب ۱۹ عنوان در ۵۲ جلد تألیف کرد و در پرورش طلاب اهتمام نمود. آیت‌الله سید احمد خوانساری از وی به عنوان فخر عالم اسلام یاد می‌نمود و علامه او را پاسدار مکتب تشیع و مرحوم حداد او را سید الطائفتین ملقب نمودند.

تالیفات وی عبارت است از: دوره الله شناسی، امام‌شناسی و معادشناسی قرآن، رؤیت هلال در شهر رمضان و لزوم اشتراک در آفاق نسبت به دخول شهر جدید، قضاء و جهاد و حکومت زن و تفسیر آیه الرجال قوامون علی النساء، رساله سیر و سلوک منسوب به بحرالعلوم، رساله لب اللباب در سیر و سلوک اولی الالباب، توحید علمی و عملی، مهر تابان، روح مجرد، رساله بدیعه که با محوریت آیه ۳۴ سوره نساء نگارش یافته است. (امی: ۱۳۸۷: ۱۱۳)

### اندیشه‌های طهرانی

همان‌طور که ذکر شد او را می‌توان نماینده معاصر دیدگاه سنتی دانست. در این‌جا به برخی از اندیشه‌های وی که در کتاب رساله بدیعه و رساله نکاحیه بیان شده است، اشاره‌ای گذرا خواهیم داشت. همان‌طور که ذکر شد، ایشان در قوای ظاهری و باطنی بین زن و مرد تفاوت قائل است. در مغز، قلب، رگ، اعصاب، قامت و وزن، زنان از مردان عقب‌ترند و تعقل در مرد بیشتر از زن است. همچنین او قائل است از لحاظ روحی زنان به مردان متکی هستند. ساخت وجودی زنان متناسب با دو نقش اصلی بارداری و بچه‌داری است و سلامت بدن و روان زن را در این امر می‌داند که همواره در یکی از حالات زایش یا بارداری یا شیر دادن باشند و باردار نبودن و شیر ندادن خلاف است. وی قائل است قیومیت مردان بر زنان دائمی است و علت و منشأ

خارجی دارد و یک امر اعتباری صرف نیست. و این مختص به شوهر نیست. همچنین معتقد است مملکت دارای از مشکل‌ترین امورات و جایز نیست زن هر چند فقیه و مجتهد باشد به مجلس رود. همچنین در جای دیگر می‌گوید: زن‌هایی که به جای بچه‌داری و تکثیر این نوباوه ریحان آدمی این عمل سالم و نیکو را ترک می‌کنند و به دنبال کارهای خارج از منزل می‌روند چه قدر از قافله تقدم و پیشرفت عقب افتاده‌اند. همچنین دستاوردهای علم پزشکی درباره زنان از قبیل بارداری در سنین کمتر از بیست سالگی و بیشتر از ۳۵ سالگی را نمی‌پذیرد و معتقد است سلامتی زن در زائیدن و شیر دادن است. (پزشکی: ۱۳۸۷: ۲۵)

به غیر از مسائل زنان، وی در مسائل دیگری نیز نظراتی دارد:

در جلد چهارم کتاب نور ملکوت قرآن می‌گوید: به شایعه کتاب سوزی، احیاء لغات فارسی باستان، ابزاری برای دور کردن از زبان دین است. وی با اشاره این که سوزاندن کتابخانه اسکندریه و ایران شایعه است، اروپا را مسئول انتشار آن می‌داند و بیان می‌دارد: کتب تاریخ، رمان، مذهب، منطق و فلسفه هیچ‌کدام از اثر آن خالی نیست؛ برای این که این قصه در اذهان رسوخ پیدا کند. بعد به نقل از شهید مطهری استعمار را مساله اصلی می‌داند که به دنبال بی‌اعتقاد کردن مردم به فرهنگ اسلامی هستند و این همه سر و صدا که علیه عرب و حمله عرب به ایران مطرح می‌کنند، راجع به عرب نیست، راجع به اسلام است. فرهنگ ادبیات ایران در زمان پهلوی در قالب حفظ آثار ملی با برانداختن لغات عربی درهاله لغات خارجی مستقیماً بر نابودی روح اسلام می‌کوشید. در زمان پهلوی مؤسسه‌ای بود که برای از بین بردن لغات عربی و فرهنگ اسلام سعی و کوشش داشتند. این‌ها برای دور کردن مردم از لغات قرآن است. روابط جوانان را از علم و قرآن بریدند. وی در مورد فردوسی با این عنوان که تبلیغ برای فردوسی تبلیغ علیه دین است، می‌گوید: این همه سر و صدا برای عظمت فردوسی و تکریم از این مرد خاسر زبان، برده‌تهی دست برای چیست؟ برای آن است که در برابر لغت قرآن و زبان عرب سی سال عمر خود را عشق دینارهای سلطان محمود غزنوی به باد داده و شاهنامه افسانه‌ای را گرد آورده است. فردوسی خواست باطلی را در مقابل قرآن علم کند و خدا جزای وی را در دنیا رسانید و از عاقبتش خبر نداریم. وی بعد نتیجه می‌گیرد که تکلم به زبان عربی برای جمیع مسلمانان لازم است. نمی‌خواهیم بگوئیم کسی که عربی نمی‌داند دین ندارد می‌خواهیم بگوئیم از جمیع مزایا و فوائد و فضائل اسلام من حیث المجموع بهره‌مند نیست. (حسینی طهرانی: ۱۳۸۹: ۴/۱۴۶)

## نتیجه‌گیری

در این تحقیق از مفسرانی که در ایران بوده‌اند کمتر سخن به میان آمد، زیرا در بررسی مسائل ایران از دوران مشروطه تا انقلاب ایران شاهد تاثیرات زیادی بر ساختار اجتماعی و فرهنگی هستیم که از غرب‌گرایی گرفته تا غرب‌زدگی و تجددطلبی در قالب ملی‌گرایی، اجبار زنان به بی‌حجابی و چاپ‌مقالاتی علیه نقش زنان خانه‌دار در مجله‌ها و... اما به دلیل دور بودن مفسران از سیاست و اخبار جهان و کم‌بودن توقعات مردم از دین، دیدگاه غالب مفسران این دوره سنتی بوده است.

در طرف دیگر در دوران پیروزی انقلاب، موج‌گرایی به مذهب و حجاب در بین زنان به وجود آمد و زنان دوشادوش مردان در عرصه مسائل سیاسی و صحنه‌های اجتماعی حضور پیدا کردند. در همین زمان کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان در سال ۱۹۷۹ در سازمان ملل تصویب شد و زنان عملاً به عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی وارد شده و این امر سبب افزایش خواسته‌های زنان در جهان می‌شود. در این زمان، زنان به عنوان مشاور در دادگاه‌ها مشغول به کار می‌شوند و حتی به عضویت مجلس درمی‌آیند.

حتی در دهه نود این تحولات بسیار چشم‌گیرتر می‌شود. مطالبات زنان بیشتر می‌شود و گروه‌ها و نخله‌هایی برای دفاع از حقوق زنان تشکیل می‌شود. به همین دلیل مفسران در ایران به ناچار تحت تاثیر این افکار و عقائد، غالباً نظرات جدیدی ارائه داده‌اند و شاید بتوان تنها عامل در گرایش عصری آنان را وجود همین مسائل برشمرد. به همین لحاظ در این تحقیق از این مفسرین ذکری به میان نیامد. اما در طرف مقابل با وجود همه این عوامل و مسائل، برخی همان دیدگاه سنتی را دنبال کرده و به دنبال اثبات آن بودند. به همین دلیل، اندیشه‌های نماینده معاصر این دیدگاه - آیت‌الله سید محمد حسین حسینی طهرانی - را بررسی کردیم.

به طور کلی می‌توان این عوامل را در مورد تفسیر عصری مفسرین مذکور برشمرد:

۱. آن چیزی که در مورد شیخ محمود شلتوت در بداهت امر به ذهن می‌آید تاثیر اساتید بر او زیاد بوده است. گرچه محیطی که وی در آن جا می‌زیسته است به گفته مصطفی مراغی موافق برخی از افکار متجددانه نبود، ولی تاثیر افکار مراغی و سلیم و به ویژه عبده که متاثر از سید جمال الدین اسدآبادی است را نمی‌توان در مورد شلتوت نادیده گرفت. از طرف دیگر روحیات او نیز در این امر دخیل بوده است. همان‌گونه که در مورد فتوای تقریب مذاهب بیان شد. همچنین

پیش فرض‌های او و بررسی شبهات که در تفسیرش نمایان است را می‌توان از عوامل دیگر آن برشمرد که این‌ها همه متأثر از اهمیت وی به عقل‌گرایی در تفسیر است.

۲. از واکاوی اندیشه‌ها و زندگی محمد حسین فضل‌الله می‌توان اولاً، به تاثیر محیط و عصر زندگی وی اشاره کرد. ثانیاً، روحیات خود وی که از همان ابتدا مکتب خانه را ترک کرد و در ادامه، فضای حوزه نجف را نیز برتافت و در این راه از کسی یا چیزی هراس به خود راه نمی‌داد تا جایی که عقاید شاذ خود را برخلاف نظریات مشهور بیان می‌کند. همچنین همت وی در کسب علوم جدید و مطالعه روزنامه و مجله در کنار دروس حوزوی و مرادده با برخی از علما همچون سید محمد باقر صدر و محمد مهدی شمس‌الدین را می‌توان اشاره کرد. ثالثاً، اهمیت او به اشکالات و دغدغه‌های عصری خود، همان‌گونه که در جایی مشکلات حوزه قم را ناشی از عدم حس معاصرت می‌دانند. آن چنان اشکالات و سؤالات برای وی اهمیت دارد که در شرایط مرجعیت، جلسه پرسش و پاسخ گذاشته که بعد این جلسات به صورت مکتوب در ۲۰ جلد منتشر می‌شود. رابعاً در مورد پیش‌فرض وی در مورد تفسیر قرآن که او قرآن را کتابی مبین می‌داند که حجت بر بندگان است و این که به روایات بسنده کنیم و یا چند معنا برای هر کلمه‌ای در نظر بگیریم این قرآن را از مبین بودن خارج می‌کند. گرچه در مورد فضل‌الله می‌توان گفت تاثیر اساتید در مورد او ناچیز و کمتر در زندگی وی این مساله نمایان است. همچنین تعصب، مساله‌ای است که هم شلتوت و هم فضل‌الله با آن مقابله می‌کردند.

۳. شخصیت آخری را که به دلیل اندیشه‌های مخالفش در تفسیر عصری بیان کردیم سید محمد حسین حسینی طهرانی است. وی از محضر اساتید زیادی استفاده کرد و به غیر از قم به نجف نیز رفته و در آن جا نیز از محضر اساتیدی استفاده کرد. گرچه وی از علامه طباطبایی و مرحوم‌هاشم حداد تأثیر پذیرفته است؛ اما آن چه می‌توان گفت این است. که اندیشه‌های وی، به نوعی منحصر به فرد بوده و در زمان حاضر کمتر کسی به آن قائل است. بنابراین، تأثیر اساتید در مورد وی نیز ناچیز است. گرچه در برخی موارد وی نظر به شبهات داشته - مانند نقد مقاله بسط و قبض سروش - لکن روحیات وی و پیش فرض‌هایی که او داشته است، مانع از تاثیر دیگر عوامل است، حتی محیط، اساتید، معاصران، دانسته‌های او و طرح اشکالات جدید مانع از آن نبود که وی از اندیشه‌های سنتی خود دست بردارد تا جایی که در مقابل برخی از امور نیز مقاومت کرده و همان اندیشه‌های خود را بیان داشت. امری که در مورد شلتوت و فضل‌الله کمتر دیده می‌شود.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحرير و التنوير، بی‌جا، بی‌تا.
۳. امین، نصرت بیگم، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، تهران: نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱ش.
۴. پزشکی، محمد، صورت بندی مطالعات زنان در جهان اسلام، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چ اول، ۱۳۸۷ش.
۵. جوادی آملی، عبدالله، زن در آینه جلال و جمال، قم: مرکز نشر اسراء، چ اول، ۱۳۷۸ش.
۶. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، تفسیر اثنی عشری، تهران: انتشارات میقات، چ اول، ۱۳۶۳ش.
۷. حسینی طهرانی، محمد حسین، رساله بدیعه، ترجمه چند تن از فضلاء، مشهد: علامه طباطبائی، چ دوم، ۱۴۱۸ق.
۸. حسینی طهرانی، محمد حسین، نور ملکوت قرآن، مشهد: نور ملکوت قرآن، چ پنجم، ۱۳۸۹ش.
۹. رشید رضا، محمد، تفسیر المنار، بیروت: دار المعرفه، چ دوم، ۱۴۲۰ق.
۱۰. زحلی، وهبه بن مصطفی، التفسیر المنیر فی العقیده والشریعه و المنهج، بیروت: دارالکفر المعاصر، چ دوم، ۱۴۱۸ق.
۱۱. شلتوت، محمود، تفسیر قرآن کریم، ترجمه محمد رضا عطائی، مشهد: شرکت به نشر، چ اول، ۱۳۸۲ش.
۱۲. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن، قم: فرهنگ اسلامی، چ دوم، ۱۳۶۵ش.
۱۳. طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ پنجم، ۱۴۱۷ق.
۱۴. طبیب اصفهانی، عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: اسلام، چ دوم، ۱۳۷۸ش.
۱۵. عاملی، ابراهیم، تفسیر عاملی، تهران: انتشارات صدوق، ۱۳۶۰ش.
۱۶. فضل الله، محمد حسین، من وحی القرآن، بیروت: دارالملاک للطباعه و النشر، چ دوم، ۱۴۱۹ق.
۱۷. قاسمی، محمد جمال الدین، محاسن التأویل، بیروت: دار الکتب العلمیه، چ اول، ۱۴۱۸ق.
۱۸. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، چ یازدهم، ۱۳۸۳ش.
۱۹. قرشی، علی اکبر، احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت، چ سوم، ۱۳۷۷ش.
۲۰. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ ششم، ۱۳۷۱ش.
۲۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چ دوم، ۱۴۰۳ق.
۲۲. مدرسی، محمد تقی، من هدی القرآن، تهران: دار محیی الحسین، چ اول، ۱۴۱۹ق.
۲۳. مغنیه، محمد جواد، التفسیر الکاشف، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ اول، ۱۴۲۴ق.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چ اول، ۱۳۷۴ش.
۲۵. موسوی سبزواری، عبد الاعلی، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، بیروت: موسسه اهل بیت، چ دوم، ۱۴۰۹ق.
۲۶. میرزا خسروانی، علیرضا، تفسیر خسروی، تهران: انتشارات اسلامی، چ اول، ۱۳۹۰ق.
۲۷. نفیسی، شادی، عقل گرایی در تفاسیر قرن ۱۴، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات، چ اول، ۱۳۷۹ش.

## پایان نامه

۲۸. شاه جعفری، حورا، سیر تحول تفسیری آیه «الرجال قوامون على النساء» در یکصد سال اخیر، قم: دانشگاه مفید، ۱۳۸۸ش.

## مقالات

۲۹. اسکندریلو، محمد جواد، «تفسیر قرآن در دوره جدید و معاصر»، مجله بازتاب اندیشه، شماره ۶۸، قم، مرکز پژوهش‌های صدا و سیما، ۱۳۸۴ش.
۳۰. امی، زهرا، «تاملات منطقی بر نظرات علامه حسینی طهرانی پیرامون مسائل زنان»، فصلنامه بانوان شیعه، شماره ۱۵، قم، موسسه شیعه‌شناسی، ۱۳۸۷ش.
۳۱. پوری، امیر حسین، «نگاهی به تفسیر من وحی القرآن علامه سید محمد حسین فضل الله»، دو فصل نامه حدیث اندیشه، شماره اول، شهر ری، دانشکده علوم حدیث، ۱۳۸۵ش.
۳۲. عصمتی، حسن، «آشنایی با شخصیت تفسیری شیخ محمود شلتوت»، مجله گلستان قرآن، شماره ۱۳۹، تهران، مرکز توسعه و ترویج فعالیت‌های قرآنی، ۱۳۸۱ش.
۳۳. مرادی، مجید، «مصاحبه با علامه سید محمد حسین فضل الله پیرامون گفتگوی تمدن‌ها»، مجله نامه مفید، شماره ۱۶، قم، دانشگاه مفید، ۱۳۷۷ش.

## منابع اینترنتی

۳۴. بازرگان، سوسن، طلایه‌داران وحدت در جهان اسلام، <http://www.intjz.net/maqalat>، ۱۳۹۳/۱۱/۱۵.
۳۵. جعفری، محمد، علامه فضل الله و جایگاه اندیشه در اسلام، <http://azadj.blogfa.com/post-338>، <http://www.azadj.com/post-338.aspx>، ۱۳۹۳/۱۰/۲۹.
۳۶. لک‌زایی، شریف، علامه فضل الله و حس معاصرت، [http://www.lakzaee.com/index.php?option=com\\_content&task=view&id=1749](http://www.lakzaee.com/index.php?option=com_content&task=view&id=1749)، ۱۳۹۳/۷/۲۰.